هفته‌نامه
افق حوزه

تشریح فعالیت‌ها و دستاوردهای پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی
۶

به مناسبت ششم شوال، صدور نخستین توقیع مبارک حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف
چگونگی و چرایی صدور توقیعات در عصر غیبت صغری
نوشتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین سلیمیان
۷

ریشه‌ها و دلایل تخریب قبور ائمه بقیع علیهم‌السلام و آثار اسلامی از سوی وهابیت
گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین حسینی قزوینی
۸

# «احمد الحسن» کیست؟

بخش دوم

پرسش و جو

## ▪ احادیث مورد استناد احمدالحسن و مناقشه در دلالت‌شان بر مدعای وی چیست؟

وی برای اثبات مهم‌ترین ادعایش، یعنی فرزند امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بودن، به برخی از احادیث استناد می‌کند. ما ابتدا این احادیث را ذکر و سپس نقدهایی را راجع به سند و دلالت آن‌ها برمی‌شماریم.

**روایت اول:**

«عن ابی‌بصیر، قَالَ قُلْتُ لِلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما‌السلام: یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ إِنِّی سَمِعْتُ مِنْ أَبِیکَ علیه‌السلام أَنَّهُ قَالَ یَکُونُ بَعْدَ الْقَائِمِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِیّاً فَقَالَ علیه‌السلام إِنَّمَا قَالَ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِیّاً وَ لَمْ یَقُلْ اثْنَا عَشَرَ إِمَاماً وَ لَکِنَّهُمْ قَوْمٌ مِنْ شِیعَتِنَا یَدْعُونَ النَّاسَ إِلَی مُوَالَاتِنَا وَ مَعْرِفَةِ حَقِّنَا؛[1] ابی‌بصیر می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا! من از پدرت شنیدم که فرمود: بعد از قیام حضرت قائم علیه‌السلام دوازده نفر مهدی خواهند آمد. امام فرمود: بله، اما پدرم فرمود: دوازده نفر مهدی و نفرمود «دوازده امام». بلی، آن‌ها قومی از شیعیان ما هستند که مردم را به ولایت ما و معرفت حق‌مان دعوت می‌کنند.»

براساس این روایت، «احمد الحسن» ادعا می‌کند که او اولین نفر از «مهدی»هایی است که بعد از امام زمان علیه‌السلام می‌آیند.

اما این روایت را از جوانب گوناگون می‌توان مورد مناقشه قرار داد:

اولاً: این روایت از نظر سند ضعیف است؛ زیرا در سند این روایت، شخصی به نام علی‌بن احمدبن محمدبن عمران وجود دارد که از علمای رجال، توثیقی درباره او صادر نشده است.[2]

ثانیاً: شخص دیگری به نام «علی‌بن ابی‌حمزه» در سند روایت وجود دارد که در کتب رجال به‌عنوان «کذاب» توصیف شده است. او پیرو مذهب انحرافی «واقفیه» بود و طمع دنیا او را واداشت تا منکر امامت امام رضا علیه‌السلام شده، از دین دست بکشد و به‌سوی الحاد سوق یابد.

ثالثاً: این روایت از لحاظ دلالت، به هیچ وجه نمی‌تواند مورد استناد «احمد الحسن» قرار گیرد؛ زیرا هیچ ارتباطی به زمان ما که هنوز امام زمان علیه‌السلام ظهور نکرده، ندارد.[3]

**روایت دوم:**

روایتی است که امام علی علیه‌السلام از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کند. ایشان فرمودند: پیامبر در شب وفاتش، به من فرمود: «یَا اَبَا اَلْحَسَنِ اِحْضِرْ صَحِیفَةً وَ دَوَاةً فَأَمْلَاَ رَسُولُ الله صلی‌الله‌علیه‌وآله وَصِیَّتَهُ حَتَّی انْتَهَی إِلَی هَذَا الْمَوْضِعِ فَقَالَ: یَا عَلِیُّ إِنَّهُ سَیَکُونُ بَعْدِی اثْنَا عَشَرَ إِمَاماً وَ مِنْ بَعْدِهِمْ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِیّاً... لَهُ ثَلَاثَةُ اَسَامِیَ اسْمٌ کَاسْمِی وَ اسْمِ اَبِی وَ هُوَ عَبْدُ اللهِ وَ أَحْمَدُ وَ الاِسْمُ الثَّالِثُ الْمَهْدِیُّ هُوَ اَوَّلُ الْمُؤْمِنِینَ؛[4] یعنی ای اباالحسن! قلم و کاغذی حاضر کن. سپس حضرت وصیتی را املا کرد تا آن‌جا که فرمود: یا علی! بعد از من، دوازده امام و بعد از آن‌ها، دوازده مهدی خواهند آمد. [برای امام دوازدهم] سه اسم وجود دارد: اسمی همانند اسم خودم [که محمد است] و اسمی مانند اسم پدرم که «عبدالله» است و اسم سوم نیز «مهدی» است که او نخستین امام است.»

«احمد الحسن» بر اساس این حدیث نیز، خودش را اولین نفر از دوازده مهدی می‌داند.

اما این روایت نیز نمی‌تواند مورد استناد این شخص قرار گیرد؛ زیرا اولاً: این حدیث از نظر سند ضعیف است، چون در سند آن «علی‌بن سنان موصلی» قرار دارد که توثیق نشده و عامی مذهب است.[5]

علاوه بر این، افراد دیگری چون «علی‌بن الحسین» یا «احمدبن محمدبن خلیل» در میان راویان قرار دارند که یا شناخته نشده‌اند و یا در کتب رجالی و تراجم با این عناوین توصیف شده‌اند: کذاب، وضاع للحدیث، فاسد، ضعیف جداً، لا یلتفت الیه.[6]

از نظر دلالت نیز این حدیث آشکارا دلالت دارد بر این‌که بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دوازده امام معصوم می‌آیند که اولین آن‌ها امیرالمؤمنین علیه‌السلام و آخرین آن‌ها امام زمان علیه‌السلام است.

هم‌چنین طبق این روایت، بعد از وفات امام زمان علیه‌السلام، دوازده انسان هدایت یافته (مهدی) می‌آیند که اولین آن‌ها فرزند امام زمان علیه‌السلام خواهد بود. وی دارای سه نام است: احمد، عبدالله و مهدی.

در هر حال، این حدیث نیز مانند حدیث قبل مربوط به زمان بعد از ظهور حضرت حجت علیه‌السلام است و ربطی به دوران غیبت ندارد.[7]

**روایت سوم:**

عن اَبِی‌عَبْدِاللهِ علیه‌السلام - فِی حَدِیثٍ طَوِیلٍ - قَالَ یَا اَبَا حَمْزَةَ إِنَّ مِنَّا بَعْدَ الْقَائِمِ اَحَدَ عَشَرَ مَهْدِیّاً مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ؛[8] از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که به ابوحمزه ثمالی فرمود: ای ابوحمزه! بعد از قائم، ما، یازده مهدی از فرزندان حسین علیه‌السلام خواهد بود.

این حدیث نیز از نظر سند ضعیف است؛ زیرا محمدبن عبدالحمید که نامش در سلسله راویان حدیث وجود دارد، مجهول است. محمدبن عیسی، راوی دیگر حدیث نیز مشترک بین ثقه و مجهول است که تشخیص آن دو مشکل است. محمدبن فضیل نیز به‌عنوان راوی دیگر، مجهول است.[9]

ابن‌حمزه هم مشترک بین ابی‌حمزه ثمالی و ابی‌حمزه بطائنی است که اولی ثقه و دومی ضعیف، کذاب و فتنه‌گر است.

از آن گذشته این حدیث دلالت دارد که بعد از امام زمان علیه‌السلام یازده انسان هدایت یافته (مهدی) می‌آیند که همگی از فرزندان امام حسین علیه‌السلام می‌باشند. این حدیث با دو حدیث قبلی از نظر تعداد آن‌ها تعارض دارد؛ زیرا آن دو حدیث بر دوازده نفر و این حدیث بر یازده نفر تأکید دارد و در هر صورت با زمان کنونی ارتباط ندارد، زیرا به دوران پس از ظهور امام زمان علیه‌السلام و وفات آن حضرت مربوط است.[10]

**روایت چهارم:**

در این روایت از امام صادق علیه‌السلام درباره «دوازده مهدی بعد از حضرت قائم علیه‌السلام می‌خوانیم که فرمود: «إِنَّ مِنَّا بَعْدَ الْقَائِمِ علیه‌السلام اثْنَا عَشَرَ مَهْدِیّاً مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ علیه‌السلام؛[11] بعد از قائم، از ما دوازده مهدی از فرزندان حسین علیه‌السلام خواهند بود.»

این حدیث نیز با همان توضیحاتی که ذیل حدیث قبل گفتیم، مورد سوءاستفاده «احمد الحسن» قرار گرفته. اما اشکال مهمی که متوجه حدیث است، این است که سند آن معلوم نیست؛ زیرا این حدیث در کتاب «مختصرالبصائر» ذکر شده و مؤلف، آن را از سیدعلی‌بن عبدالحمید به اسنادی که او نقل کرده، آورده است و اسناد مذکور، در دسترس ما نیست تا بدانیم همه راویانش ثقه هستند یا نه؟ بنابراین سخن قطعی درباره سند حدیث ممکن نیست. علاوه بر آن از نظر دلالت نیز مانند روایات قبلی، ناظر به زمان غیبت نیست.[12]

با این توضیحات مشخص شد که مبنای حدیثی ادعا شده توسط «احمد الحسن» تا چه اندازه سست و بی‌اساس است. البته غیر از این احادیث، طرفداران او برای اندیشه باطل خود، به احادیث و بیانات دیگری از معصومین علیهم‌السلام استناد کرده‌اند که ما برای رعایت اختصار ناچار به گذشتن از آن‌ها هستیم، اما آن استنادات نیز به هیچ‌وجه مطابق مبانی علمی نیستند و از معضلات علمی فراوانی رنج می‌برند؛ معضلاتی چون تقطیع روایات، تحریف نظر دانشمندان شیعه، ناتوانی در فهم معنای حدیث، استناد به نقل‌های شاذ، استناد به نسخه بدل‌های ثابت نشده، برداشت‌های سطحی از روایات، حذف روایات مخالف، ترجیح سخن دیگران بر فرمایش امام معصوم علیه‌السلام، تعارض درونی و بیرونی روایات، مخالفت با اجماع شیعه و اهل‌سنت و...[13]

«ادعای احمد الحسن، ادعایی خلاف قول علما در مسئله رجعت»

صرف‌نظر از وضعیت سندی روایات مورد استناد «احمد الحسن»، باید این نکته را مدنظر داشت که این احادیث از نظر دلالت نیز به‌عنوان احادیثی شاذ و غیرقابل قبول نزد علما تلقی می‌شوند؛ زیرا طبق احادیث مسلم شیعه، بعد از شهادت امام زمان علیه‌السلام آغاز دوران رجعت است، لذا علمای شیعه، احادیث مزبور را بر فرض صحت، بر زمان رجعت حمل کرده‌اند. پس مقصود از دوازده یا یازده مهدی، همان ائمه هدی علیهم‌السلام هستند که پس از ظهور امام زمان علیه‌السلام و شهادت آن حضرت، برای انتقام گرفتن از قاتلان خود، قیام می‌کنند.

شیخ مفید رحمه‌الله در کتاب «ارشاد»، درباره این احادیث می‌نویسد: «بعد از دولت حضرت قائم علیه‌السلام برای کسی دولتی تشکیل نمی‌شود، مگر آن‌چه این روایت بر آن دلالت دارد که فرزند (یا فرزندان) حضرت اگر خدا بخواهد، قیام می‌کنند. البته این روایت به‌طور قطع، ثابت نیست.[14]

علامه مجلسی رحمه‌الله نیز پس از نقل احادیث در کتاب «بحارالانوار»، می‌نویسد: «این اخبار، مخالف مشهور است و راه تأویل آن به دو صورت است»:

راه اول: این‌که مراد از دوازده مهدی (یعنی هدایت‌شدگان)، همان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و سایر امامان علیهم‌السلام به استثنای امام زمان علیه‌السلام باشد؛ به این معنا که مُلک آن‌ها (در هنگام رجعت) بعد از امام زمان علیه‌السلام خواهد بود.

راه دوم: این است که بگوییم دوازده مهدی از اوصیا امام زمان علیه‌السلام، هدایت‌گران خلق در زمان ائمه علیهم‌السلام در هنگام رجعت‌اند. زیرا زمان نمی‌تواند خالی از حجت باشد. گرچه اوصیای انبیا علیهم‌السلام نیز حجج هستند.[15]

به هر حال تمسک به این احادیث، شاذ و نزد علما متروک بوده و چنین برداشت‌های خلاف ظاهر و تأویل‌های بی‌دلیل از آن‌ها برای کسانی که کوچک‌ترین آشنایی با علوم اسلامی داشته باشند، عمق بی‌پایگی ادعاهای «احمد الحسن» را نشان می‌دهد.

## ▪ نتیجه

احادیث مذکور، چه صحیح باشند و چه ضعیف و از نظر دلالت چه قابل قبول باشند و چه غیرقابل قبول، چه قابل تأویل به رجعت باشند و چه غیرقابل تأویل، با مدعای جریان یمانی هیچ ارتباطی ندارند؛ زیرا همه آن احادیث بر این مطلب اجماع دارند که قیام مهدیین دوازده‌گانه یا یازده‌گانه بعد از ظهور و وفات امام زمان علیه‌السلام خواهد بود و هیچ یک از احادیث بر این معنا دلالت نمی‌کند که آن‌ها یا برخی از آن‌ها قبل از ظهور امام زمان علیه‌السلام می‌آیند.

«احمد اسماعیل گاطع الصیمری (احمد الحسن)»، در حالی به دروغ مدعی فرزندی و وصایت امام زمان علیه‌السلام است و ادعای قیام کرده و خود را اولین نفر از مهدیین می‌نامد که هنوز امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ظهور نفرموده‌اند.

## ▪ «اخبار یمانی، چه مقدار قابل اعتمادند؟»

حدود ۱۸ روایت در باب یمانی وجود دارد که همه آن‌ها ضعف سند دارند و نمی‌توان به این راحتی به آن‌ها استناد کرد. از طرفی باید دانست که در باب اعتقادات، روایات باید قوی‌تر از روایات فقهی باشند تا بتوان آن‌ها را به‌عنوان اعتقاد شیعه پذیرفت. آن‌چه اجمالاً می‌توان پذیرفت این است که یمانی می‌آید، اما در همان سال خراسانی و سفیانی نیز خروج می‌کنند. اما یمانی قصه ما یا بهتر بگوییم «احمد الحسن»، فراموش کرده سفیانی و خراسانی را هم با خود همراه سازد، تا تنها نباشد.

خروج یمانی از یمن، نه از بصره عراق از علائم حتمیه ظهور است (الیمانی من الیمن). پس قطعاً احمد الحسن آن یمانی موعود نیست. اما دیگر خصوصیات یمانی، در روایات مطرح نشده و در ابهام باقی مانده است.

## ▪ پی‌نوشت‌ها

۱- کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ابن بابویه، ج۲، ص۳۸۵.
۲- معجم رجال حدیث، خویی، ابوالقاسم، مرکز نشر آثار شیعه، قم، ۱۳۹۹ه.ق، ج۱۳، ص۱۶۹.
۳- ، نشریه علمی تخصصی انتظار موعود، شماره بهار ۱۳۹۰ه.ش، ص۱۸۵.
۴- الغیبة، طوسی، دار المعارف الإسلامیة، قم، ۱۴۱۱ه.ق، چاپ اول، ص۱۵۶.
۵- معجم رجال حدیث، خویی، ابوالقاسم، ج۱۲، ص۴۶.
۶- همان، ج۲، ص۲۲۴.
۷- نشریه علمی تخصصی انتظار موعود، شماره بهار ۱۳۹۰ه.ش، همان، ص۱۸۸.
۸- الغیبة، طوسی، محمدبن الحسن، دارالمعارف الإسلامیة، قم، ۱۴۱۱ه.ق، چاپ اول، ص۴۷۸.
۹- قاموس الرجال، شوشتری، محمدتقی، دارالمعارف الإسلامیة، قم، ۱۴۱۱ه.ق، چاپ اول، ص۴۷۸
۱۰.نشریه علمی تخصصی انتظار موعود، شماره بهار ۱۳۹۰ه.ش، ص۱۸۸.
۱۱.مختصرالبصائر، حلی، حسن‌بن سلیمان‌بن محمد، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، ۱۴۲۱ه.ق، چاپ اول، ص۱۶۶
۱۲.نشریه علمی تخصصی انتظار موعود، شماره بهار ۱۳۹۰ه.ش، ص۱۸۹.
۱۳.فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، بهار ۱۳۹۲ه.ش، شماره ۲۵.
۱۴.الإرشاد، مفید، محمدبن نعمان، نشر بصیرتی، قم، ۱۴۱۲ه.ق، ص۳۳۶.
۱۵.بحارالأنوار، ج۸۳، ص۱۴۸.

منبع: مجله منتظران، شماره ۷۳.
تحقیق و تنظیم: حجت‌الاسلام ابوطالب کاظمی
محقق و پژوهشگر و مدرس حوزه علمیه

درس اخلاق

## > قلب مؤمن حرم خداست <

آیت‌الله‌العظمی صالحی مازندرانی رحمه‌الله‌تعالی

قال الصادق علیه‌السلام: القلب حرم الله فلا تسکن حرم الله غیرالله؛ (بحارالانوار/ج۶۷/ص۲۶)

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: قلب حرم خداست. عش و حرم به یک معنا هستند. عش و حرم آن جایی است که حرمی‌ها رشد می‌کنند، هم‌چون جوجه و کبوتر در لانه رشد می‌کند، پر و بال در می‌آورد و بعد پرواز می‌کند. قلب انسان حرم خداوند است و در آن حرامی‌ها راه پیدا نمی‌کنند.

روایت می‌فرماید: «فلا تسکن حرم الله غیرالله»؛ یعنی اسکان و منزل نده در حرم خدا، غیر خدا را، که غیر خدا هر که باشد بالاخره می‌شود حرامی و آن‌که این حرم مال اوست، الله تعالی است.

در این زمینه حضرت امیرالمؤمنین علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام این مطلب بسیار نیکو را می‌فرمایند: «کیف یدّعی حب الله من اسکن قلبه حبّ الدنیا»؛ (غررالحکم/۵۵۵)

حضرت می‌فرمایند که چگونه ادعا می‌کند حب خدا را، آن کسی که در قلبش حب دنیا را ساکن کرده و جا داده است؟! ملاحظه شود که حضرت فرمود: حبّ الدنیا نه الدنیا، زیرا وقتی دنیا از طرف بزرگان دین مذمت می شود، یک پیشوندی دارد و مصدر به حب است که فرمود: «حبّ الدنیا رأس کلّ خطیئة»؛ وگرنه نفس دنیا نیکو و سبب برکات است؛ چنان‌چه فرمودند: «الدنیا مزرعة الآخرة». بنابراین در این‌جا سخن از دنیا نیست، صحبت از حب دنیاست. این‌که در روایت دارد؛ من سکن؛ دلیلش این است که معمولاً همه ما، آدم‌های معمولی و عادی هستیم و آن مسئله عصمت را نداریم، لذا خواه و ناخواه، کم و بیش، شدید و ضعیف به دنیا علاقه و حب غیرساکن داریم.

البته ممکن است دنیاهای ما با هم فرق کند. یکی ممکن است دنیایش همان بساطی باشد که روی آن نشسته است و دیگر ممکن است دنیایش وسیع‌تر و گسترده‌تر باشد. همان‌طور که امام خمینی رحمه‌الله فرمودند: دنیای هر کس همان است که در درون جانش است. هر کس ببیند که در درون جانش چه چیز هست؟ در دنیا به‌دنبال چه چیزی است؟ هر غیرخدایی، می‌شود دنیایش، لذا عبارت دارد: سکن؛ که دلالت دارد دنیا آن است که در جان رسوخ کرده و ساکن شده است وگرنه مقداری به دنیا حب و علاقه داشتن، قهری و فطری است. شاید اگر حب دنیا عابر باشد و تنها بیاید و برود نشود مهارش کرد و یا به‌عنوان مسافر و رهگذار باشد باز هم خوب است؛ چون‌که قابل مهار است.

حب دنیا گاهی در قلب انسان نزول می‌کند، این هم ماندگار نیست؛ چون نازل به کسی می‌گویند که یک جایی موقتاً بار می‌اندازد، ساعتی، نصف روزی می‌ماند و بعد می‌رود. بنابراین روایت نمی‌گوید: قلبت را منزل قرار نده یا معبر قرار نده؛ زیرا این مقدار را کسی نمی‌تواند نداشته باشد. بالاخره حب دیناست، می‌آید و می‌رود و لذا می‌فرماید: «مسکن قرار نده». مسکن معمولاً جایی است که آدم آن‌جا ساکن می‌شود، آرام می‌گیرد و خورد و خوراک و معاش و زندگی و قیام و قعودش آن‌جاست. اگر حب دنیا در قلب این‌طور باشد که شخص با آن حب، در آرامش است، به آن خوش و خرم است این قلب می‌شود مسکن، لذا حضرت فرمود: «کیف یدعی حبّ الله من سکن قلبه حبّ الدنیا»؟ یعنی کسی که در قلبش حب دنیا را اسکان داده و آن‌را به‌عنوان وطن و زادگاه اصلی برگزیده، چنین شخصی چگونه می‌تواند ادعای حب خدا را در دل داشته باشد؟! این استفهام، انکاری توبیخی است و می‌خواهد زشتی آن را به ما گوشزد کند و ما این اراده را در خود تقویت نماییم که حب دنیا در دل‌مان ساکن نشود

تهیه و تنظیم: علی‌اکبر بخشی

رئیس اعزام مبلغ سازمان اوقاف و امور خیریه

## اجرای برنامه‌های ویژه توسط مبلغین اوقاف در بقاع متبرکه

**به گزارش خبرگزاری حوزه، حجت‌الاسلام هادی شفیعی‌زاده با اشاره به فعالیت‌های فرهنگی روحانیون سازمان اوقاف، اظهار داشت: سازمان اوقاف و امور خیریه ویژه برنامه‌هایی را در کل مناسبت‌های ملی و فرهنگی علی‌الخصوص مناسبت‌های مذهبی در دستور کار دارد.**

وی ادامه داد: مناسبت‌های دیگر فرهنگی هم در ایام مختلف سال حال چه اعیاد و یا شهادت ائمه در استان‌ها برگزار می‌شود.

رئیس اعزام مبلغ سازمان اوقاف و امور خیریه با اشاره به شش ویژه‌برنامه مختص حضور مبلغین در جوار امامزادگان در طول سال، گفت: از ابتدای سال طرح آرامش بهاری سپس ضیافت الهی و بعد نشاط معنوی که با هدف استفاده از ظرفیت اوقات فراغت دانش‌آموزان است و در ادامه هم ایام محرم و صفر برنامه‌های ویژه اوقاف برگزار می‌شود.

وی اضافه کرد: اداره کل اعزام مبلغ، وظیفه اعزام مبلغ را هم بر دوش دارد که یکی از این اعزام‌ها حضور مبلغینی که عمدتا از طلاب سطوح عالی هستند در خیمه‌های معرفت می‌باشد.

حجت‌الاسلام شفیعی‌زاده با اشاره به این‌که حضور مبلغین در خیمه‌های معرفت از تفاوت‌ها مبلغین سازمان اوقاف با دیگر سازمان‌های می‌باشد، عنوان داشت: یکی از نوآوری‌های مجموعه سازمان در بحث تبلیغ، ارتباط چهره به چهره مبلغ با مخاطب می‌باشد.

رئیس اعزام مبلغ سازمان اوقاف و امور خیریه با اشاره به رشد خوب سازمان در این زمینه، خاطرنشان کرد: در چند استان رشد و نوآوری مبلغین در راستای تبلیغ دین، رشد منحصربه فردی بوده که استان قم جزء این استان‌ها می‌باشد.

وی ادامه داد: یکی از اقدامات زیبا و مثبت اوقاف استان قم بحث برگزاری خیمه معرفت در کوه خضر نبی در ایام ماه مبارک رمضان بود؛ فضایی که قبلا به‌عنوان پارکینگ مورد استفاده قرار می‌گرفت، امروز با نگاه متفاوت اوقاف قم تبدیل به مکانی شده که خیل عظیمی از مردم در ایام ماه مبارک بعداز افطار تا سحر در آن حضور داشتند و برنامه‌های مختلف فرهنگی و مذهبی را برگزار می‌کردند.

رئیس اعزام مبلغ سازمان اوقاف و امور خیریه با اشاره به متخصص بودن مبلغین حاضر در خیمه‌های معرفت، تأکید کرد: مبلغینی که در شش مناسبت در قم به‌کارگیری می‌شوند، عمدتاً مبلغینی هستند که در دوره‌های تخصصی کودک و مشاوره شرکت کرده‌اند و همه جز مبلغین مطرح سازمان اوقاف می‌باشند.

## اعلام فراخوان مقاله پنجمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

**فراخوان مقاله پنجمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی توسط دبیرخانه کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی منتشر شد.**

به گزارش خبرگزاری مهر، متن این فراخوان بدین شرح است:

با اتکال به عنایات الهی و توجهات حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف با هدف گفتمان‌سازی، تولید علم و نظریه‌پردازی، تضارب اندیشه‌ها و ارتباط مستمر با جامعه علمی، پنجمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، پاییز ۱۳۹۸ در ایران و در محورهای کلی ذیل برگزار می‌گردد:

### ▪ محورهای میان‌رشته‌ای

فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی، مدیریت تحول علوم انسانی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

### ▪ محورهای رشته‌ای

اقتصاد اسلامی، تعلیم و تربیت اسلامی، جامعه‌شناسی اسلامی، ارتباطات و رسانه اسلامی، روان‌شناسی اسلامی، علوم سیاسی اسلامی، فقه و حقوق اسلامی، مدیریت اسلامی، هنر و معماری اسلامی.

گفتنی است، مقالات پذیرفته شده، پس از برگزاری کنگره در مجلات علمی- پژوهشی منتشر خواهد شد.

ارسال مقاله فقط از طریق سایت کنگره امکان‌پذیر است و مقالاتی که از طریق ایمیل ارسال شوند، بررسی نخواهند شد.
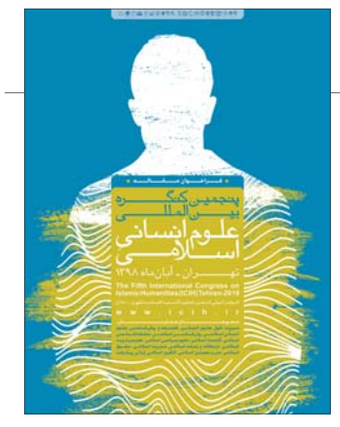
مهلت ارسال چکیده مقاله تا ۳۱ شهریور ۹۷ و مهلت ارسال اصل مقاله تا ۲۹ اسفند سال جاری است.